

غیر از مجلس کسی حق تفسیر و تغییر قانون ندارد



پرهیز از مواضع تهم و طرد دسائس اداری از دفاتر رسمی و رهائی سردفتران از حب و بغض و تحمیل و تبعیض و سیاست و سلطه مؤسسات و مأمورین غیر قضائی و بیگانه از اصول و حقوق و منطق و استدلال نخستین و ضروری ترین اقدام اصلاحی است . ما به جای مشاهده رشد قوانین و مقررات ، شاهد رژه سلیقه ها و هوسها و بدعت و ابتکارات متصدیان مؤسسات و سازمانهایی بوده و هستیم که کار خود را بار همسایه می کنند، سردفتران را استثمار و این طبقه را بدون تراضی در اجرت و پاداش و برخلاف میل درونی آنان با استخدام خویش در آورده به تصدی اموری که بامزاج و استعدادشان ناسازگار است می گمارند و دفاتر اسناد رسمی را به میدان آزمایش و خطاهای تخیلات این و آن تبدیل کرده راه پختگی و ثبات را بر آنان مسدود می کند و البته وقتی که روش و نظاماتی توسط کسانی طرح و تهیه شود که صلاحیت علمی بیان و تدوین نداشته باشند

پی‌درپی محتاج حاشیه و تفسیر و ترجمه و تغییر میشود و ممکن است بیش از سود احتمالی ضرر قطعی برساند .

بدون شك اگر هر روش و تصمیم لاحقی را اصلاح و تصحیح بشناسیم، با این اصلاح و تصحیح گذشته را تخطئه می‌کنیم و عدالت اقتضا میکند که سلف را تنبیه و خلف را تشویق یا عمل ثانوی را محکوم و سابقی را تثبیت کنیم و به هر دو فرصت و امکان دفاع بدهیم نه اینکه بطور مطلق هر سابقی را جاهل و هر لاحقی را عالم تلقی نمائیم و نسبت به حقوق و اموال جامعه مانند موش و خرگوش آزمایشگاه رفتار کنیم .

اگر واقعاً این همه قوانین ناسخ و منسوخ هر يك نسبت بمقابل خود جنبه اصلاحی داشته با این همه اصلاحات که تمام ترقیات پارسال نسبت با اصلاحات امسال بد ورد بوده ما باید از تمام کشورهای جهان پیشرفته تر باشیم یا اقلاً با این همه تغییر و تبدیل باید خوب یا بد عادلانه یا ظالمانه اقلاً يك قانون صریح و روشن و غیر قابل تفسیر داشته باشیم که هم مؤدی راه فرار نداشته باشد و هم مأمورین ذیربط نتوانند بسا تفسیر قانون برای او «چاره جوئی» کنند .

از طرفی افزون طلبی پی‌درپی و عدم ثبات و صراحت قوانین و مقررات مردم‌رامردد و مشکوک و بتأخیر و تأمل سوق میدهد و از طرف دیگر بحکایت تاریخ و سوابق موجود هر متصدی لاحقی در مسابقه و صولتی به کسانی که در پرداخت و تسویه مالیات و عوارض تأخیر کرده‌اند با تعیین مدت و مهلت تخفیف و معافیت میدهم و بارها با اینگونه تخفیف و تسهیل به متخلفین، عمال مؤدیان و وظیفه‌شناس و منظم را مجازات کرده‌ایم و بتدریج تأخیر و استنکاف بامید تقلیل و ارفاق خوی ثانوی میگردد بنابراین پیوسته قسمتی از وصول توأم با تفریط مطالبات دولت و همراه با تنبیه کسانی است که بموعده پرداخته و از جایزه تخلف محروم شده‌اند. بدون تردید اتخاذ این رویه فلسفه و علتی دارد و ممکن است درك و استنباط این بحث از لحاظ جنبه فنی در حوزه صلاحیت ما و بحث و فحص آن در خور این مقاله نباشد ولی در دنیائی که عقلای اقوام روز بروز از حجم و تعداد و مسائل و مصرف انرژی و ابزار

زائد می‌کاهند و از حداقل حجم حداکثر قدرت و از حداقل قدرت حداکثر نتیجه را می‌خواهند عقل معتدل قد نمی‌دهد که چرا چرخهای دفاتر و ادارات ثبت را بردستگاه موجود سابق افزوده و دستگاه اصلی را بیهوده شناخته ولی گسترده و حفظ کرده‌اند. چه شده است که مأمورین اداری علامه حقوقی و قضائی شده و سردفتران و دستگاه ثبت و دادگستری را محروم و بی‌نصیب میدانند؟ چه شده است که در ابهام قانون و مقررات تفسیر و تشخیص سردفتران بر مأمورین حجت نیست ولی خطای استنباط مأمورین را بر سردفتران حجت می‌پندارند. در صورتیکه تفسیر قانون برای هر دو ممنوع و فقط در صلاحیت مجلس است.

چطور ممکن است شورای عالی ثبت معنی قانونی را نفهمد ولی امین وصول یا بازرس دارائی با صدور ابلاغ حقوقدان شود، بهتر بفهمد و رأی شورای عالی ثبت را با بی‌اعتنائی رد کند؟ چه ضرورت دارد که قانون را طوری انشاء کنیم که هر کسی يك طور معنی کند و هیچ يك از معانی با قصد عقمن سازگار نگردد و برای ترجمه آن از فارسی به فارسی تشکیل سمینار داده شود.

چرا قانون طوری باشد که فکر فراز و قاچاق و رشوره و توصیه و بندوبست را در مغز مؤدی و مأمور تقویت کند؟ این چه سری است که هر چه نزد دیگران در مان است نزد ما درد میشود آن هم درد بیدرمان.

مگر از لحاظ اقتصاد دخل و خرج عمومی، هزینه‌های عمومی، درآمدهای عمومی و ترکیب دخل و خرج دولت مطالعه و محاسبه نشده است؟

با توسعه بی‌سابقه مخارج دولت و با اینکه تخصیص این حجم مالی از نظر کمیت و کیفیت اقتصاد جامعه را تحت الشعاع قرار داده و متأثر کرده چه شده است که سنگینی بار تحصیل درآمد را بدوش نیروهای غیردولتی تحمیل می‌کنیم.

چرا افزایش تمبرسفته یا فالان مالیات را حساب می‌کنیم ولی توسل به چک‌های

وعده‌دار و کاهش مصرف‌سفته رافراموش می‌کنیم و نمی‌خواهیم باورکنیم که وقتی يك دسته چك پنج‌ریال قیمت دارد و با آن می‌توان از مصرف صدها تومان تمبرسفته رهائی جست مردم را به‌طرق دفاع و مقاومت سوق می‌دهیم .

چرا باافزون طلبی، قیمت‌های مندرج در سند مالکیت، قیمت‌های منطقه‌ای و مأخذهای ثابت و روشن را درهمه‌جا معتبر نمی‌شناسیم و مردم را طوری فاسد می‌کنیم که انواع اتوموبیل را یکی هزار تومان سند بنویسند و باشکال مختلف از اظهارحقیقت و اعلام مبلغ صحیح معامله شانه خالی کنند که از یکطرف اکثر اسناد دروغ و خلاف واقع باشد و از طرف دیگر عایدات نسبی فروش تمبر روز بروز پائین بیاید .

در کتاب مدرسه ابتدائی حکایتی باین مفهوم درج شده بود که جوانی يك اسکناس در دست داشت درکنار نهر آب عکس جوانی را دید که يك اسکناس در دست دارد دست برد که اسکناس تصویر را بگیرد اسکناس اصلی به آب افتاد، ولی ما خوانده‌ایم و اغلب در جستجوی تصویر اصلی و حقیقی را از دست می‌دهیم.

مانمی خواهیم بدانیم که بموجب ماده ۱۴۵ قانون مجازات عمومی هر يك از مستخدمین دولتی که مأمور اخذ مالی بنفع دولت است برخلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی وجه یا مالی اخذ کند یا امر باخذ آن بنماید باختلاف مراتب به حبس تادیبی از هشت روز تا سه ماه و تادیه غرامت معادل ضعف آنچه گرفته است محکوم خواهد شد بعلاوه باید آنچه را که بدون حق گرفته است بصاحب آن رد نماید مجازات مذکوره در این ماده در مورد اشخاص نیز که مأمور باخذ مال به نفع بلدیة میباشند مجری خواهد بود.

مگر ما نمی‌ترسیم از اینکه ماده ۲۸۰ الحاقیه می‌گوید: هر گاه یکی از وزراء یا مستخدمین دولتی در هر رتبه و مقامی که باشند بوسیله وضع نظامنامه یا تصویب نامه یا صدور متحدالمال و اوامر کتبی دیگر و یا اعمال آنها بدون امر کتبی مقامات مافوق قانون را تغییر دهد یا تفسیر نماید و یا در اجرای آن تبعیض کند از خدمات دولتی دائماً منفصل خواهد شد .

با این قوانین جزائی صریح چگونه جرات می‌کنیم که دست با اجرای قوانین سه‌گوش و مقررات مبهم بزنیم و چگونه مقاصد و مفاهیم قانون را در حفره‌های خفتانی نظامنامه و بخشنامه قلب کنیم.